



بررسی مقایسه‌ای تشبیه درقصاید و غزلیات نزاری

کلثوم قربانی جویباری^۱

حامد نوروزی^۲

چکیده

نزاری قهستانی یکی از شاعران بزرگ اما مهجور نیمه سده هفتم و آغاز قرن هشتم است. اشعار وی هم در شکل و صورت و نیز در محتوا قابل بررسی است؛ اما به دلایل مختلف کمتر به آن توجه شده است. از این رو نگارندگان در این جستار تلاش نموده اند تا تشبیه و انواع آن را از جهت طرفین تشبیه در قصاید و غزلیات مقایسه کنند. برای دستیابی به این منظور تشبیهات در قصاید و غزلیات استخراج و تقسیم بندی و بررسی و مقایسه شده اند و این نتیجه حاصل شد که از نظر تنوع و پویای تصاویر قصاید و غزلیات به طور تقریبی همسانند ولی از نظر طرفین تشبیه، قصاید بیشتر حسی به حسی اند و غزلیات از نوع عقلی به حسی است که در مجموع این دستاورد نشان از قدرت خیالپردازی حکیم نزاری دارد.

کلید واژه: نزاری قهستانی، تشبیه، تصویر گری، عقلی به حسی، حسی به حسی

مقدمه

حکیم نزاری (۷۲۱-۶۴۵ه.ق) از شاعران و نویسندگان ناشناخته بیرجند و قهستان است. نزاری نام خاندان وی بوده است که آن را به عنوان تخلص به کار می برده است. نزاری از نام نزار، فرزند مستنصر، خلیفه فاطمی اسماعیلی گرفته شده است. نزاری در جوانی به کارهای دیوانی روی آورد، سفرهایی چند داشت، سرانجام به قهستان بازآمد؛ ازدواج کرد و صاحب فرزندی شد. درگذشت او را به سال ۷۲۱ه.ق نوشته اند. نزاری به سخن ساده و بی پیرایه و خالی از تکلف گرایش دارد به ویژه در وصف می و باده سرایی مشهور شده است. (محقق و آذر، ۱۳۸۹: ۶۹) او در مضمون پردازی و تصویر خیال شاعرانه اش از آرایه های ادبی متنوعی استفاده می کند که یکی از این آرایه ها تشبیه است.

تشبیه از جمله ابزار بیان شاعرانه است که بی اغراق تمام شاعران از آن بهره می گیرند و حکیم نزاری نیز از جمله این شاعران است که ارزش تشبیه را کشف کرده (فتوحی، ۱۳۸۵: ۹۰) و توانسته از ظرفیت های این آرایه

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی بیرجند kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند hd_noruzi@birjand.ac.ir



ادبی استفاده کند. از این رو نگارندگان برای نشان دادن قدرت خیال پردازی و تخیل شاعرانه این شاعر و تصویر روحيات او به بررسی انواع تشبیه پرداخته تا از قابلیت و ظرفیت تشبیه برای کشف توانایی خیالپردازی نزاری قهستانی استفاده کند.

ساختار مختلف تشبیه در قصاید و غزلیات حکیم نزاری

۱. تقسیم تشبیه بر حسب فشردگی یا گستردگی ساختار آن: در این تقسیم بندی کوتاهترین شکل و ساختار تشبیه، یعنی اضافه تشبیهی و نیز تشبیهات بلیغ غیراضافی که در آنها ادات و وجه شبه ذکر نمی شود را «تشبیه فشرده» و هر تشبیه دیگری که بیرون از محدوده این ساختار قرار گیرد «تشبیه گسترده» نامیده ایم. در قصاید و غزلیات حکیم نزاری از هر دو نوع این تشبیهات دیده می شود:

الف. تشبیهات فشرده:

در این قالب شعری تشبیهات بیشتر به شکل فشرده است که در اضافه های تشبیهی و تشبیهات بلیغ غیراضافی نمود می یابد. از جمله ترکیباتی چون درج ابر در بیت زیر که ابر به درج و صندوقچه تشبیه شده است بدون آن که ادات و وجه شبه ذکر شود. گویا مراد شاعر از وجه شبه شباهت ظاهری ابر و درج است:

آسمان درج ابر سر بگشاد ریخت بر فرق خاک در خوشاب (۱۳۸ص)

یا در بیت زیر دل را به مرغی تشبیه کرده که در هوای حرص و آز گرفتار است و وجه شبه پریدن و هوایی شدن مرغ و دل است:

دایم بمانده مرغ دلت در هوای آز این نیز هم ز غایت تنگ آشیانی است (۱۴۷ص)

یا در بیت زیر تشبیه آه به تیر بی آنکه ادات و وجه شبه ذکر شود، مراد شاعر به هوا رفتن هم تیر و هم آه را در نظر داشته است:

تیرآهم بگذرد بر جوشن گردون چنانک بر حریر از چرخ تیری بی محابا بگذرد (۱۵۴ص)



در قصاید نزاری به تشبیهات فشرده دیگری بر می خوریم که ترکیب اضافی ندارند و گاهی به صورت جمله اند اما در آنها از ادات و وجه شبه خبری نیست مثل نمونه زیرصوت را به لحن داوود و می را به جام جم همانند کرده است بدون آنکه در آن از وجه شبه و ادات خبری باشد:

بگوی صوت که لحن تو قول داوود است بنوش می که می کوزه تو جام جم است (۱۴۴ص)

نمونه های بیشتر در این ابیات دیده می شود: ق ۱/ص ۱۳۸- ق ۱۵۴/۷- ق ۱۴۸/۵- ق ۱۴۹/۵- ق ۱۳/ص ۱۶۸ و

به هر روی تشبیه فشرده به جهت کوتاهی و فشردگی ساختار و حذف وجه شبه و ادات تشبیه در آن از بلاغت و تاثیر بیشتری نسبت به تشبیه گسترده برخوردار است. از این رو به این ساختار تشبیه بلیغ گفته می شود؛ چرا که همواره ذهن شنونده و مخاطبش را برای دست یافتن به رابطه طرفین تشبیه یا وجه شبه آن دو به جستجو و کوشش وامیدارد و قدرت تخیل او را در این جهت فعال می نماید. (میر صادقی، ۱۳۷۳: ۶۹-۸۳)

در غزلیات نیز تشبیهات فشرده دیده می شود. در این قالب همانند قصاید، تشبیه فشرده از نوع اضافه تشبیهی بیشتر دیده می شود که درصد اختصاص آن همچون قالب قصیده است و به طور تقریبی همسان هستند. در غزلیات به این نمونه ها بر می خوریم که شاعر دل را به حضرت سلیمان تشبیه کرده بی آنکه ادات تشبیه و وجه شبه را ذکر کند:

نامه بلقیس جان سوی سلیمان دل کس نرساند مگر هدهد باد صبا (غ ۲/ص ۴۸۶) که به نظر می رسد وجه شبه، پادشاهی و حکومت داشتن مراد است ولی قید نشده است. یا در بیت زیر شاعر غم را در تیرگی و کدورت به زنگار همانند کرده است که البته این ویژگی مشترک ذکر نشده است.

زنگار غم به صیقل می بستر از پگاه صفوت چنین دهند ذوات و نفوس را (غ ۲۴/ص ۵۱۰)

یا در بیتی دیگر حکیم نزاری زبان را به تیغ مانند می کند:

کشیده تیغ زبان بر ملامت مردم نهاده پنبه به گوش از نصیحت بابا (غ ۳/ص ۴۸۸) در بیت مذکور ویژگی مشترک تیغ و زبان تیزی و حدت است که شاعر از ذکر این ویژگی به عنوان وجه شبه خودداری کرده است. به این نمونه ها هم توجه کنید: غ ۳/ص ۴۷۷- غ ۴/ص ۴۸۹- غ ۲۶/ص ۵۱۳- غ ۲۷/ص ۵۱۴- غ ۳۹/ص ۵۳۱ و



ب. تشبیهات گسترده

در این نوع تشبیه تمامی ارکان تشبیه قید می شود. این نوع تشبیه در قصاید بسیار کمتر از تشبیه فشرده است. مانند ابیات زیر که مشبه و مشبه به و ادات تشبیه و وجه شبه را به روشنی دیده می شود:

برون آمد و رفت بر تخت ساج گل از غنچه چون نوعروس از نقاب (۱۴۱ص)

در این بیت شاعر گل را به نوعروسی تشبیه کرده که از نقاب و پرده بیرون آمده است. گل مشبه، نوعروس مشبه به، چون ادات و برون آمدن و باز شدن وجه شبه محسوب می شود. یا در بیت زیر شاعر خود را در زردی و بی قراری به ترتیب به کهربا و سیماب تشبیه کرده است. م در بی قرار مشبه، کهربا و سیماب مشبه به، زردی و بی قراری وجه شبه و چون ادات تشبیه قرار گرفته است:

تا لاجرم زمخت تیمار بی زبانان چون کهربا زرد و چو سیماب بی قرارم (۱۷۲ص)

و نیز در ابیات زیر نمونه های بیشتری وجود دارد که عبارتند از: ق ۱۸۱/۱۹ - ق ۱۷/۱۷ ص ۱۷۵ - ق ۱۲/۱۶۵ - ق ۱۳/۱۶۸ و....

درصد تشبیهات گسترده در غزلیات از تشبیه فشرده کمتر است. گویی شاعر از این طریق قصد هنرنمایی داشته و می خواسته باریکی و ظرافت خیال خویش را بیشتر نشان دهد. مثل این نمونه که شاعر خود را در ناشکیبایی به خاطر شرب خمر بسیار به گوی تشبیه کرده است. در این بیت تمام ارکان تشبیه حضور دارند:

ز شرب خمر چنان ناشکیب چون گویم چنان مثل که زخورشید شیفته حربا (۳/ص ۴۸۷)

من یعنی خود شاعر مشبه، گوی مشبه به، چون ادات، بی قراری و ناشکیبایی وجه شبه قرار گرفته است. یا در بیتی دیگر نزاری دود دلش را به ابر همانند می کند:

آه نزاری بسوخت خرمن صبر و شکیب ابرصفت کله بست دود دلم در هوا (غ ۴/ص ۴۸۹)

برای نمونه های بیشتر رجوع کنید به این ابیات: غ ۵۱۷/۲۸ ص - غ ۵۱۶/۲۸ ص - غ ۲۳/ص ۵۰۹ - غ ۳۹/ص ۵۳۱ و....



۲. تقسیم تشبیهات بر حسب حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه: حسی بودن یعنی قابل درک و دریافت بودن با حواس پنجگانه ظاهر و عقلی بودن به معنای مطلق غیر حسی است. در کتاب معالم البلاغه آمده است که تشبیه عقلی سه دسته وهمیات، وجدانیات و عقلیات صرف را نیز در بر می گیرد. در توضیح این موارد می خوانیم: «مراد از وهمی در این مقام چیزی است که نه خودش و نه تمام موادش در خارج موجود باشد لیکن به نحوی باشد که اگر اجزایش به تمامی موجود شود خود آن هم محسوس گردد؛ مانند پر وبال سیمرغ و صدای غول، اما وجدانیات اموری هستند که به قوای باطنه ادراک شوند مانند لذت، الم، سیری، گرسنگی، تشنگی، اما عقلیات صرف عبارتند از: معانی کلی که مدرک آنها عقل است بالاستقلال؛ یعنی عقل آنها را بدون واسطه قوای نفسانی ادراک می کند مانند حقیقت انسان، حقیقت نور...» (رجایی، ۱۳۷۲: ۲۴۶)

با در نظر گرفتن حسی یا عقلی بودن مشبه یا مشبه به، چهارنوع تشبیه خواهیم داشت، در این جا این چهار قسم را بر مبنای درصد بسامد هریک از آنها به ترتیب ذکر می کنیم.

معقول به محسوس: در این نوع تشبیه، مشبه امری معقول و غیر حسی و مشبه به، پدیده ای حسی و ملموس است که می توان با یکی از حواس ظاهر آن را درک کرد. (همایی، ۱۳۷۵: ۲۳۵) در قصاید نزاری از این قسم تشبیه دیده نمی شود که بسی جای شگفتی است که چرا نزاری در قصاید معقولات را به امور حسی تشبیه نکرده است. اما در غزلیات به وفور این نوع تشبیه دیده می شود. در غزلیات مورد بررسی می بینیم که همت با اینکه در زمره وجدانیات و امور عقلانی است اما می توان آن را با قوه خیال تجسم کرد و از آن تصویر ساخت زیرا شاعر آن را به کشتی که پدیده ایست قابل دیدن و لمس کردن تشبیه کرده است:

به کشتی همت نزاری مگر ز بحر بلاگذراند مرا (غ/۳۳/ص ۵۲۳)

در همین بیت در مصراع دوم نیز بلا به بحر همانند شده است. یا در بیتی دیگر حسرت که امری انتزاعی است به آتش شبیه شده است و نیز جان به روضه:

روضه جانم بسوخت آتش حسرت چو نی تابه کجا می کند آهوی چشمت چرا (غ/۴/۴۸۹)

یا در بیت زیر خشم نیز به آتش مانند شده است:



آتش خشم بریزد آب روی ایمن مباش آب جوی است آب رویت در نظر فحاش را (غ/۵۱۳/۲۵)
 یکی از جنبه های هنری تشبیه که شاید بزرگترین و برجسته ترین جنبه باشد همین پیوند دادن معقولات به محسوسات است و کروچه می گوید « گفته اند که تصور آنگاه جنبه هنری پیدا می کند که معقولی را به محسوس پیوند دهد.» (کروچه ، ۱۳۴۴: ۷۹) طبق این نظریه نزاری در قصیده از این قابلیت زبانی بهره نگرفت و تنها غزلیاتش را به این زیور آراست. دکتر شفیع کدکنی نیز در این باره می گوید: « از رهگذر تشبیه می توان بسیاری از امور متباین و متضاد را که از نظر حس و تجربه عقلی دور از یکدیگر قرار دارند در یک موضوع جمع کرد.» (شفیعی کدکنی ، ۱۳۷۵: ۷۲) نمونه های بیشتر در این غزلیات دیده می شود: غ/۵۲۴/۳۳ - غ/۳۵/۳۹ - غ/۵۳۱ - غ/۵۱۳/۲۶ - غ/۴۹۲/۷ و....

۲. محسوس به محسوس: در این نوع تشبیه ، مشبه و مشبه به ، هر دو با یکی از حواس ظاهر قابل درک و دریافتند . هدف از این تشبیه آن است که نقش مشبه به وسیله مشبه بهی که در وجه شبه مورد نظر شاعر اوضح و اعرف از مشبه است به خواننده یا مخاطب شناسانده شود . این نوع تشبیه را حسی می نامند. (داد، ۱۳۸۳: ۱۳۷) این نوع تشبیه در قصاید پر کاربردترین نوع همانند سازی است که نزاری برای ملموس کردن خیالش از آن بهره می جوید . مانند بیت زیر که شاعر قطره های باران را از جهت ظاهر و آبدار بودن به لولوی تر همانند کرده است:

در آویخته از سر شاخ خشک چون لولوی تر قطره های سحاب (ص/۱۴۷)

یا در بیت زیر نزاری دست شاعر را از جهت بخشندگی به ابر تشبیه کرده که هر دو طرفین تشبیه را می توان با حواس پنجگانه حس کرد :

ابر دستش بر سر سایل همی بارد گهر همچو ابر نوبهاری بر سر اشجار گل (ص/۱۷۲)

برای مثال های بیشتر به این ابیات رجوع کنید : ق/۱۴۵/۴ - ق/۱۳۹/۱ - ق/۱۳۸/۱ - ق/۱۴۹/۸ و....
 در مقایسه با قصاید ، تشبیه حسی در غزلیات کمتر است . در غزلیات تشبیه معقول به محسوس بیشتر دیده میشود . نمونه هایی از تشبیه حسی را در ابیات زیر می بینیم . مثل بیت زیر که شاعر ابرو را از جهت شکل به کمان تشبیه کرده است :

ز تیر طعنه چه ترسم چرا سجود نیارم کشیده تا بن گوش ابروان هم چو کمان را (غ/۵۳۱/۳۹)



یا بیت زیر که پیکان را در آبداری به الماس تشبیه کرده است:

کس نیارد همچو ما در رزم عشق طاق پیکان چون الماس را (۲۳/۵۰۹)

با این مقایسه به نظر می رسد نزاری قهستانی در قصاید شاعر برون گرایی است زیرا از عناصر و پدیده های محسوس و بیرونی بیشتر بهره گرفته است در حالی که در غزلیات برای همانند سازی از امور عقلی و معقول و وجدانی بیشتر استفاده کرده است. به این ابیات نیز رجوع کنید: غ ۳۹/ص ۵۳۰ - غ ۸۱۸/۲۹ ص - غ ۲۳/ص ۵۰۹ - غ ۴۸۷/۳ و ...

۳. معقول به محسوس: در این نوع همانند سازی مشبه امری حسی و قابل لمس است و مشبه به پدیده ای ذهنی و عقلی است. این نوع تشبیه، نه در قصاید و نه در غزلیات وجود ندارد.

۴. معقول به معقول: در این نوع، هر دو طرفین تشبیه عقلی و ذهنی اند و با حواس ظاهر قابل لمس و درک نیستند. از این نوع تشبیه ذهنی نیز در اشعار نزاری دیده نمی شود.

نتیجه گیری

با بررسی قصاید و غزلیات در دیوان حکیم نزاری قهستانی این نتایج حاصل شد که تشبیهات در قصاید اغلب از نوع فشرده و اضافه تشبیهی است و از نظر جنس بیشتر از نوع محسوس به محسوس است و در غزلیات نیز به همین ترتیب بیشتر تشبیه فشرده و معقول به محسوس است. با این بررسی دریافتیم که نزاری برای به تصویر کشیدن خیال و ذهنیاتش از محسوسات بیشتر بهره می گیرد از این رو به نظر می رسد شاعر برون گرایی است که پدیده های عینی را ابزاری برای بیان مقاصدش به کار می گیرد.

منابع و ماخذ

- داد، سیما، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، مروارید: تهران.
- میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۶)، واژه نامه هنر شاعری، کتاب مهناز: تهران.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۷۵)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما: تهران.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۵)، صور خیال در شعر فارسی، آگاه: تهران.
- فتوحی، محمود، (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر، سخن: تهران.



نزاری قهستانی ، (۱۳۷۱) ، دیوان حکیم نزاری قهستانی ، تصحیح مظاهر مصفا ، به اهتمام محمود رفیعی ، انتشارات علمی : تهران .
محقق ، مهدی و سلامت آذر ، رحیم ، (۱۳۸۹) ، « جایگاه بدیع در دیوان حکیم نزاری قهستانی » ،
اندیشه های ادبی ؛ ۳(۳) : ۶۳-۸۶ .
کروچه ، بندتو ، (۱۳۴۴) ، کلیات زیبایی شناسی ، ترجمه فواد رحمانی ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
تهران .